

فراخوان به یک کامپاین ملی، مدنی و تاریخی

پاکستان باید به حیث کشور حامی تروریزم مجازات شود!!!

به جای پاکستان ؛ ملت ما مجازات میشود

چه باید کرد؟

درین جا میخوانید:

- قطعنامه های شورای امنیت در مورد تروریزم در افغانستان.
- وضع افغانستان به کدام مسیر کشانیده شد؟؟
- دوسیه ی افغانستان به پاکستان تحویل داده میشود!!
- ملت ما چرا باید به مجازات محکوم باشد؟
- فرصت طلایی!!
- افغانها میتوانند این طلسم را بشکنانند، پاکستان را مجازات کرده به این حامی تروریزم درس تاریخی بدهند و ابتکار عمل را در دستهای خود گیرند.

من که در شهر غربت بسر میبرم، روح و روانم بر بلندای چکاد کوهپایه ها و بر آسمان نیلگون میهنم، که امروز دود باروت و آتش در آن غنوده است، و خفاشان و کرگسان کور خون آشام از کران تا کرانش بال و پر گشوده، میرقصند، و به نظاره ی این سرزمین و انسهای نگون بختش، نشسته اند.

و میبیند که چسان لاشخواران سیاه دل، مردار خوار، مست در هوسهای (نامشروع)، چگونه بر مردم و سرزمین سوخته ام میتازند و یکی پی دیگری رذیلانه با قضاوت و بیرحمی تمام، بنام کمک و همیاری به انسانهای این مرز و بوم خیانت و جنایت میکنند.

این سرزمین کهن که با ملتش، در قرون متمادی سربلند و مفتخر بوده، اما امروز بسان پسر بچه یتیم و یسیر؛ بیچاره گشته است؛ غاصبان آن که هرکدام غرق و مست در هوس های دور از انسانیت، آمده اند تا هرچه در توان دارند، باز هم با جعل حجت و برهان تامین عدالت - و دموکراسی . . . به زعم خود آن را در زیر پاشنه های سنگین لگد مال کرده خونش را بمکند و قلبش را در آتش هوا و هوس خود بریان نمایند و از کبابش برای خویش نشاط بیافرینند؛ در کوی و برزنش اهریمنانه برقصند. . . .

کوتاه و مختصر اینک: نیروهای نظامی ۴۶ دولت خارجی به هر بهانه ی که بود، بخصوص بعد از تصویب در جلسه ی شورای امنیت که امروز مشروعیت آن هم زیر سوال است؟؟، در کشور ما حضور نظامی گسترده یافته اند که اکثریت قاطع این کشورها بخصوص بعد از اصدار قطعنامه های بیسابقه و تاریخی ای، از جانب شورای امنیت ملل متحد، مبنی بر پیشنهاد ایالات متحده ی امریکا (قطعنامه های شماره ۱۳۷۳ و ۱۳۶۸) تحت عنوان مبارزه علیه تروریسم و تنبیه کشورهای حامی تروریسم به افغانستان لشکر کشی کردند.

با مشروعیت دادن به حضور سنگین و آهنین جامعه ی جهانی از جانب شورای امنیت ملل متحد در افغانستان، اکنون در دهمین سال سوال این است که پیامد های بزرگ آن برای مردم افغانستان و مردمان جهان چه بوده است؟

- کشت، ترافیک، تولید و قاچاق مواد مخدر ریکارد جهانی را قایم کرد.
- فساد گسترده اداری در تمام ابعاد انکشاف بی سابقه و غیر عقلانی یافت.
- فعالیت شبکه های تروریستی، همان طوریکه سیاسیون دور اندیش افغانستان در اوایل این حضور حيله گرانه و نیرنگبازانه و حرفوی جهانی پیشبینی میکردند، به جای کاهش و امحا؛ نیرومند تر و با پشتوانه تر گردیده، و اشرار به مناطق امن کشور نیز حضور بالفعل یافتند.
- فقر گسترده تر، بیکاری دامنه دار تر گردید .
- اردوی ضعیف، بدون قوای هوایی و زرهی (آن هم تحت فشار مستقیم پاکستان) در آستانه کنفرانس بن؛ و پس از آن برای افغانستان صواب! دیده شد. که آنهم گویا نوبه نو از کتم عدم پیدا شود. در حالی که به قول بسیاری از نظامیان مجرب؛ اردوی افغانستان بیشتر از (۳۵ هزار) افسر مجرب، آب دیده و با تجربه دارد که اکثرا در اثر تنقیص های تشکیلاتی

اهدافمندان) وزارت دفاع جهادی - طالبی - امریکایی بیکار گشته، به کراچی کشی و دست فروشی و شغل آزاد!! روی آورده اند. چرا برای نیرومندی اردوی افغانستان بر ضد اینهمه توطیه های پاکستان و سایرکشور های مداخله گر، از این نیرو که مانند حماسه های جلال آباد کارنامه های عظیم تاریخی و حربی دارند؛ استفاده نمیشود؟؟؟؟.

- پایه های دولتی که گویا یگانه دستاورد حضور ایساف و ناتو و امریکاست؛ چرا روز تا روز متزلزتر و لرزانتر شده میروند.

خلاصه اینکه «جامعه ی جهانی؟؟» خلاف همه مفادات قطعنامه های شورای امنیت ملل متحد عمل کرده کشور محکوم و مظلوم ما را آستن شرایط بحرانا و بُنبنستی گردانیده و عملا به تهلهکه و تباهی سوق داده است.

مشکل اصلی در کجاست؟

طی نه سال اخیر به وضاحت تمام روشن شد که پاکستان در مبارزه علیه تروریزم و دهشت افگنی چه قدر متحد نیروهای جامعه ی بین المللی؟؟؟ بوده و بدین منظور میلیارد ها دالر از غرب حصول نموده است!؟

بر عکس این عفریت سرطانی و اژدهای هفت سر فقط حامی اصلی تروریزم القاعده، طالبان و سایر گروهک های بنیاد گرا میباشد. هزاران مدرسه ی تربیه و پرورش شبکه های تروریستی به کمک بالفعل شیوخ فاسد و فاجر و عیاش و از انسانیت بریدهء کشور های عربی، نه تنها همانند پیش از (۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱) در پاکستان فعال بوده و استخبارات آن کشور روابط تنگاتنگ با این شبکه های تبهکار را حفظ نموده و از هیچگونه کمک های مالی و نظامی و لوژیستیکی و روحیاتی در طی این مدت با آنان دریغ نکرده است بلکه اینهمه افرایش و تشدید و تقویت روز افزون نیز کسب کرده می رود.

نشست اخیر به اصطلاح پژوهشگران و استراتژیست های پاکستانی در نیمه ی ماه (دسامبر ۲۰۱۰) در برلین، نیات شوم و رذیلانه ی نظامیان پاکستان را کاملاً بر ملا ساخت. چه شرم آور است که تحصیلکرده ها؟ پژوهشگران؟؟ و استراتژیست های؟؟ یک کشور (پاکستان) که طی (۳۰ سال) اخیر از جانب دول افغانستان متهم به حمایت از بنیادگرایی و تروریزم است که شومترین

پدیده‌ی جهان کنونی ما را تشکیل می‌دهد، امروز با افتخار؟؟ و بیش‌رمانه در دفاع از داعیه‌ی بنیادگرایی و تروریسم در یکی از کشور های به اصطلاح متحد مبارزه بر ضد تروریسم به تدویر چنین جلسه‌ی می‌پردازند؛ که در اصل همان استراتژی‌ی دفاع از تروریسم و بنیاد گرایی را که بوسیله‌ی استخبارات جاسوسی اردوی پاکستان «آی اس آی» برنامه ریزی شده است، بوسیله‌ی این نشست ذلت بار به جهانیان اعلام داشته و توسط اجنت معلوم الحال این دستگاه (احمد رشید مشهور به ژورنالیست نخبه پاکستانی) نامه سرگشاده گویا برای یگانه راه تامین صلح و ثبات در افغانستان؛ عنوانی پرزیدنت بارک اوباما منتشر ساخته اند.

مهارت و نیرنگ سردمداران تروریسم را دیدیم که این نشست شان فقط چند روز پیشتر از باز بینی استراتژی‌ی جنگ در افغانستان توسط کاخ سفید تدویر یافته بود. در استراتژی‌ی تازه‌ی اداره‌ی اوباما که در دسامبر (بعد از نشست نمایندگان استخبارات آی اس آی در برلین) اعلام گردید، تقریباً همه چیز شبیه و بازتاب دهنده نیات و اهداف شوم نشست برلین بود و در رابطه به بهبود اوضاع و شرایط تامین صلح و امنیت پایدار در افغانستان هیچ نکته‌ی قابل ملاحظه در آن به نظر نمی‌رسد.

و هر آن چه است به سود و منافع پاکستان است (از اعلامیه بازبینی استراتژی امریکا در افغانستان: **هدف امریکا ساختن افغانستان و درهم شکستن هر چیزی نیست که امنیت این کشور را تهدید می‌کند، بلکه هدف امریکا، از بین بردن و درهم شکستن القاعده در افغانستان و پاکستان است** (این همان اهدافی است که گویا از جانب پاکستان هم پیگیری میشود.نگارنده).

یک نکته را بایست به دقت مطمح نظر گیریم که اداره‌ی اوباما که گویا خواهان صلح و دموکراسی در افغانستان میباشد، اما ظاهراً فعالیت های گسترده‌ی کارتل های اقتصادی و کشور های رقیب و با نفوذ در عرصه‌ی اقتصاد جهانی مانع تحقق کاربردی این همه اهداف میباشد. از جانب دیگر این نظامیان پاکستان اند که ابتکار عمل را در دست گرفته برای تحقق اهدافشان آرام ننشسته اند؛ اما بر عکس این دولتمردان، پارلمان، سنا، احزاب، نهاد های روشنگری - مدنی - مترقی و سیاسیون افغانستان اند که دست را بالای دست گذاشته و به نظاره‌گری و روزمره‌گی نشستند تا حلقه بردگی نظامیان پاکستان را در آینده در گردن های شان تحمل نکنند. به واقعیت همه

میدانند که روند سیاسی - نظامی به مسیری سوق داده میشود که همه ی مان منتظر مجازات های مستقیم توسط پاکستان و جلادان و میرغضب های نیمه حیوان آن باشیم. زبان من به بیان این مراتب شوم وشنیع قاصر است و لذا از بیان یک هموطن با درد و با درک خود در انترنیت بهره می گیرم:

ایشان به تازه گی و درست در رابطه با همین موارد نوشته اند :

«پاکستان خاص الخاص درین (۹ سال) ثابت کرد که یک دولت مسئول در برابر همسایه ها و تمام جهان نیست. دولت یاغی افریقای جنوبی به فیصدی هم برابر پاکستان نبود. دار و دسته تروریست و تروریست پرور شناخته شده در کل جهان هیچ مرز و حریم ندارد. باید پاکستان از تمام سازمانهای بین المللی مثل ملل متحد اخراج و مفاد فیصله نامه (۹ سال) پیش شورای امنیت باید بدون چون و چرا بالای پاکستان تطبیق گردد . (۹ سال) نشان داد که طالبان و القاعده در اصل جز خود پاکستان چیز دیگر نیستند. تمام آنها که میخواهند آفتاب را به دو انگشت پت کنند به حکم چار کتاب آسمانی منافق و به حکم حقوق و عقل انسانی مجرم در برابر خدا و خلق خدا و عالم بشری هستند. به تعبیر زیبای اسلام و قرآن ما؛ با هر فرد مؤمن و مسلمان و بیگناه که به دلیل پاکستان کشته میشود؛ هر لحظه یکبار تمام بشریت کشته میشود. ملخک یک بار جستی - دو بار جستی - آخر به دستی!، د درواغو مزل لند دی - که کو - تتمدره ای»

<http://www.payam-aftab.com/?usr=category/detail&nid=13000>

چه باید کرد؟؟

آیا در این شرایط دشوار و بن بست های در هم پیچیده؛ مردم افغانستان میتوانند به شکستادن طلسم شوم و پلید حامیان جنگ که بوسیله ی پاکستان تعمیل میگردد فایق آیند؟

بلی!!!

البته این بستگی دارد به خود آمدن ملت و مردم ما. در هر کجایی از دنیا که باشند؛ میتوانند رسالت تاریخی خویشرا درین مرحله حساس - تاریخی و سرنوشت ساز؛ با دلسوزی - عشق به وطن - مردم و نسل آینده افغانستان، به وجه احسن ایفا نمایند تا در براندازی این نیت بازیگران

سرمست در اهداف غیر انسانی شان بازی را به نفع خویش تغییر داده و به پیروزی راهبردی و استراتژیژیک نایل آیند.

آن رسالت تاریخی چه خواهد بود؟

فرصت دهمین سالگرد فیصله شورای امنیت سازمان ملل متحد (شاید آخرین فرصت طلایی خواهد بود) در باره مداخله نظامی جهانی در افغانستان و این فرصت را بایست بسیار جدی گرفت. از همین حالا باید به سازماندهی یک کمپاین بزرگ تعرضی - تبلیغاتی وسیع و گسترده در سر تاسر کشور های غربی، امریکا، استرالیا . . . کشور های اسلامی و همسایه گان افغانستان، مرکز و ولایات افغانستان بخاطر تحت فشار قرار دادن شورای امنیت و اذهان عامه ی جهان آغاز کرد. احزاب مترقی، اتحادیه های کارگری و مماثل آن، سازمانهای زنان، نهاد های دفاع از دموکراسی - حقوق بشر و ضد جنگ به این کمپاین جلب و کشانیده شوند که یخن شورای امنیت را بگیرند تا ده ساله گی تصویبات خود را باز اندیشی کند و آنرا به تصمیم جدی قاطع و اجرایی در مورد پاکستان و (آی اس آی) توسعه دهد !!!

ما باید در وسیعترین مقیاس و با تمام نیروی خرد و وجدان آگاه بشری و مردمان و ملت هایی که در افغانستان خون فرزندانشان بیهوده ریخته میشود و مسیر اهداف به آنها القا شده کاملاً دروغین و فریبکارانه به جهت بازی های کثیف انحراف دارد؛ این حلقه زنجیر را متحدانه با فریاد بلند و هرچه زود تر با همه ابتکار و جدیت تام به شور آوریم! **وقیحان پاکستان امروز گفته اند که گویا کس حق ندارد به امور داخلی یا درون مرز هایش تعرض کند و در خاک آن برضد تروریست ها عملیات اجرا نماید.** یعنی تنها و تنها ملت افغانستان است که برای اهداف پاکستان باید مجازات شود؛ هم جور تروریزم صادره از پاکستان را بکشد وهم گوشت دهن توپ مبارزه علیه تروریزم باشد!!!!؟؟؟

آیا تنها پاکستان حق دارد که هرچه خواست بکند ، مگر کلوخ انداز را پاداش سنگ نیست؟

خوشبختانه در قطعنامه های شورای امنیت در مورد افغانستان که در بالا از آن تذکر رفت، مجازات گروپ های تروریستی و **کشور های حامی تروریزم** صراحت دارد که در بازبینی دهمین سالگرد این قطعنامه ها، دیگر باید قطعاً این مجازات باید در مورد پاکستان عملی گردد.

هرگاه ما بتوانیم این کامپاین را با چگونگی ایکه در بالا از آن تذکر رفت، راه بیاندازیم؛ همچنانکه حق با ماست؛ برد اساسی و استراتژیک نیز از آن ما خواهد بود.

از همه قلم بدستان، سیاسیون و کلیه وطنپرستان کشور احترامانه خواهشمندم که برای این " **فراخوان به یک کامپاین ملی - مدنی و تاریخی** " با عشق به وطن و مردم درد دیده، همکاری و همیاری فرموده، بدون فوت وقت به کارزار وسیع تبلیغاتی و روشنگرانه فعال شوند و قلم برداشته، عقل و اندیشه شان را درین راستا سمت و سو داده رسالت ایمانی و وجدانی خویش را در برابر مردم و میهن از خود نشان دهند. تا باشد در پی یک رونسانس و روشنگری گسترده هزاران و ملیون ها تن بسیج شوند و مستقیماً شورای امنیت، سازمان ملل متحد و وجدان عمومی بشریت را برای این آرمان بزرگ و یگانه برای نجات ما و وطن ما و خیر و فلاح بشریت مورد چلینج کاری و مؤثر قرار دهند!

www.roshanak.nl